

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بیرجند  
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد  
رشته‌ی زبان و ادبیات عربی

عنوان:

بررسی باورهای عامیانه در شعر جاهلی عرب

استاد راهنما:

دکتر عبدالرحیم حقدادی

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا عزیزی

نگارنده:

حوریه دقتی

پاییز ۱۳۹۳

"کلیه حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه برداری، اقتباس و ... این پایان نامه  
به دانشگاه بیرجند تعلق دارد و هرگونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی  
دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است"

تقدیم به

دستان پر مهر پدر و مادرم

و

همسفر مهربان زندگیم؛ همسر م

و

امید بخش جانم؛ فرزند دلبندم

## چکیده

باورها و اعتقادات، بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر ملت را تشکیل می‌دهند. پاره‌ای از این باورها که به باورهای عامیانه مشهور است، بیشتر جنبه‌ی قومی و محلی داشته و به عنوان میراثی گران‌بها، هویت ملی و فرهنگی اقوام گذشته را بیان می‌کنند. اعراب جاهلی، بیشتر بادیه‌نشین بوده و از مظاهر تمدن و دانش بهره‌ی چندانی نداشته‌اند و همین امر سبب شده که این دسته از باورها در میان آنان رواج قابل توجهی یابد. شعر جاهلی نیز دیوان دانش‌ها، باورها، آداب و رسوم، اعتقادات و تاریخ و فرهنگ عرب در این عصر به شمار می‌رود. از اینرو، بسیاری از باورهای عامیانه‌ی آنان در شعر این دوره تجلی یافته است. در پژوهش حاضر، نگارنده به بررسی این دسته از باورها در شعر دوره جاهلی پرداخته و بیشتر شعر شاعرانی را مورد توجه و مطالعه قرار داده که باورهای عامیانه در آن نمود بارزتری دارد. بر اساس بررسی‌های به‌عمل آمده در این پژوهش، باورهای عامیانه‌ی عرب در این عصر و بر اساس شعر شاعران این دوره، در پنج دسته‌ی باورهای اجتماعی، دینی، طبی و باورهای مربوط به حیوانات و مظاهر طبیعت طبقه‌بندی و نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که باورهای بسیاری در جاهلیت وجود داشته است که جنبه‌ی خرافی داشته، اما همه‌ی افراد بدان پایبند نبوده‌اند؛ چنان‌که برخی از شعرا، مطالبی خلاف آنها را در شعر خود آورده‌اند. همچنین از مهمترین دلیل رواج این باورها در بین اعراب جاهلی، نداشتن درک درستی از علل پدیده‌ها و جهل و شرک آنان بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** شعر جاهلی عرب؛ باور عامیانه؛ خرافه؛ سعد و نحس

## فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
بیان مسأله تحقیق	۱۱
ضرورت و اهداف تحقیق	۱۲
پرسش های تحقیق	۱۳
فرضیه ها	۱۳
پیشینه تحقیق	۱۴
روش تحقیق	۱۴
معرفی اجمالی فصل های پایان نامه	۱۵
<b>فصل اول: تعاریف و کلیات</b>	<b>۱۶</b>
۱-۱. تعریف باور	۱۶
۲-۱. باور عامیانه و اسطوره	۱۸
۳-۱. باور عامیانه و خرافه	۱۹
۴-۱. معنا و مفهوم جاهلیت	۲۰
۱-۴-۱. جاهلیت در لغت	۲۱
۲-۴-۱. جاهلیت از دیدگاه مورخان و نویسندگان	۲۲
۳-۴-۱. جاهلیت در قرآن	۲۴
۴-۴-۱. جاهلیت در نهج البلاغه	۲۷
۵-۱. محدوده ی زمانی جاهلیت	۲۸
۶-۱. وضعیت اعراب در جاهلیت	۲۹
۷-۱. شعر جاهلی و جایگاه آن	۳۱

۳۳	۸-۱. منابع شعر جاهلی
۳۵	۹-۱. ارزش تاریخی و هنری شعر جاهلی
۳۸	پی‌نوشت‌ها
۳۹	<b>فصل دوم: باورهای اجتماعی</b>
۳۹	۱-۲. تفأل و تطییر
۴۳	۲-۲. سعادت و نحوست
۴۶	۳-۲. زنده به گور کردن دختران
۴۹	۴-۲. تیرافکندن به آسمان و استخاره
۵۲	۵-۲. اعتقاد به سحر و جادو
۵۵	۶-۲. شیاطین شعر
۵۸	۷-۲. اعتقاد به غول و جن
۶۵	۸-۲. بستن نخ جهت یادآوری (رَتَم)
۶۷	۹-۲. اثبات عشق و وفاداری
۶۹	۱۰-۲. بازگشت مسافر
۷۴	۱۱-۲. پیدا شدن گمشده
۷۵	۱۲-۲. گشایش بخت
۷۶	۱۳-۲. عطسه کردن
۷۷	۱۴-۲. پرش چشم
۷۹	پی‌نوشت‌ها
۸۴	<b>فصل سوم: باورهای دینی</b>
۸۵	۱-۳. پرستش بت‌ها و مدد جستن از آنان

۸۹	۲-۳. سوگند خوردن و قربانی برای بت‌ها
۹۱	۳-۳. توت‌م پرستی
۹۳	۴-۳. قربانی در جاهلیت
۹۳	۳-۴-۱. گوسفند قربانی (عتیره)
۹۴	۳-۴-۲. شتر قربانی (بلیه)
۹۷	۳-۴-۳. قربانی دهمین پسر
۹۹	۳-۵. معاد در جاهلیت
۱۰۳	پی‌نوشت‌ها
۱۰۴	<b>فصل چهارم : باورهای طبی</b>
۱۰۴	۴-۱. درمان مارگزیدگی
۱۰۶	۴-۲. درمان نازائی
۱۰۷	۴-۳. درمان تب خال
۱۰۸	۴-۴. درمان سستی پا
۱۰۹	۴-۵. فرار از مرگ
۱۱۰	۴-۶. درمان عشق و جنون
۱۱۱	۴-۷. پیشگیری از وبا
۱۱۲	۴-۸. درمان بیماری گری
۱۱۵	۴-۹. درمان بیماری هاری
۱۱۶	پی‌نوشت‌ها
۱۱۷	<b>فصل پنجم: باورهای مربوط به حیوانات</b>
۱۱۷	۵-۱. غرابُ البین



۱۲۰	..... ۲-۵. هائمه و صدی
۱۲۳	..... ۳-۵. زدن گاو نر هنگام خودداری نمودن گاو ماده از آب
۱۲۵	..... ۴-۵. آویختن استخوان خرگوش
۱۲۶	..... ۵-۵. آویختن دندان روباه و گربه
۱۲۷	..... ۶-۵. فواید گوشت درندگان
۱۲۷	..... ۷-۵. شتر در باور جاهلی
۱۳۱	..... پی‌نوشت‌ها
۱۳۲	..... فصل ششم: باورهای مربوط به نجوم و مظاهر طبیعت
۱۳۲	..... ۱-۶. باورهای نجومی
۱۳۲	..... ۱-۱-۶. ماه و خورشید
۱۳۴	..... ۲-۱-۶. ستارگان
۱۳۵	..... ۲-۶. آتش‌های عرب
۱۳۹	..... ۳-۶. تقدیس ظواهر طبیعت
۱۴۰	..... پی‌نوشت‌ها
۱۴۱	..... نتیجه‌گیری
۱۴۳	..... منابع و مأخذ

## بیان مسأله تحقیق

یکی از عناصر مهم فرهنگ هر ملت باورهای آنان است و یکی از موضوعات مهمی که در حیطه‌ی اعتقادات و باورها مورد توجه قرار گرفته و آذهان زیادی را به خود مشغول داشته است، دسته‌ی خاصی از عقاید می‌باشد که با عنوان "باورهای عامیانه" از آن یاد می‌شود؛ باورهایی که بیشتر جنبه‌ی قومی و محلی داشته و در یک حیطه‌ی جغرافیایی خاص شناخته می‌شود که گاهی، آداب و رسوم اجتماعی مردم و گاه نیز تعبیر و تفسیر پیشینیان از وقایع طبیعی یا حوادث زندگی باعث بوجود آمدن آنها می‌گردد.

رواج این گونه باورها، در میان اقوام و ملت‌هایی که از پیشینه‌ی تاریخی طولانی‌تری برخوردارند، به مراتب بیشتر از ملت‌هایی است که سابقه‌ی اندک دارند؛ چرا که عقاید و باورهای انسانها، درست یا نادرست و علمی یا خرافه، همگی ریشه در فرهنگ چند هزار ساله‌ی یک تمدن دارد که به مرور زمان، یا به همان شیوه‌ی نخستین باقی مانده و یا دستخوش تغییراتی گردیده است. بنابراین، باورها و به‌خصوص باورهای عامیانه، میراث گرانبهایی هستند که هویت فرهنگی اقوام پیشین را بیان می‌کنند.

در این تحقیق سعی شده ضمن بیان معنی و مفهوم باور عامیانه – اعم از باورهایی که هم‌اکنون مورد قبول و یا از نظر ما مردود می‌باشد – جلوه‌های ظهور آن را در ادبیات منظوم عصر جاهلی بیان نموده و به ذکر نمونه‌هایی از این باورها با استناد به شعر برخی از شاعران این دوره بپردازیم. چرا که شعر و ادبیات، آینه‌ی یک ملت، تجلی‌گاه افکار و نمایانگر عادات و آداب و رسوم و بیانگر ایده‌ها و آرمانهای آنهاست و بسیاری از شاعران و نویسندگان از باورهای عادی و عامی مردم به عنوان یکی از درون‌مایه‌های شعر و نثر خویش بهره برده‌اند تا به اثر خود رنگ دینی و ملی ببخشند و بدین وسیله فرهنگ و سنت‌های جامعه‌ی خود را در پیچ و خم حوادث تاریخی از گزند فراموشی حفظ نموده و به آیندگان منتقل نمایند.

در این میان، قوم عرب نیز از این قاعده مستثنی نبوده و جایگاه مخصوصی را در این زمینه به خود اختصاص داده است؛ چرا که شعر جاهلی، ارتباط محکمی با زندگی اعراب داشته و بهترین منبع شناخت این دوران است.

جامعه‌ی جاهلی عرب، جامعه‌ای بوده است با مشخصات محدود و افقی تنگ و باریک که به جهان ماورای طبیعت با نظری ساده و سطحی می‌نگریسته و در متحول نمودن امور زندگی ناتوان و در تعلیل وجود و هستی ضعیف بوده است. از این رو در اوهم گذشته و باورهای غیرعلمی و خرافات خود زندگی می‌کرده و برای درک علت پدیده‌ها و اتفاقاتی که پیرامونشان رخ می‌داد، به قوه‌ی خیال پناه برده و افسانه‌ها و اساطیر گوناگون می‌ساختند و آن را به صورت مکتوب یا شفاهی، سینه به سینه منتقل می‌نمودند.

از سویی دیگر، اعراب جاهلی به دلیل آمی بودن و بی‌بهره بودن از دانش و فرهنگ در بستری از باورهای عامیانه و غیرعلمی زندگی می‌کردند و جهل و عدم آگاهی آنان نسبت به ماهیت و علت اشیاء و پدیده‌ها باعث بوجود آمدن تفکرات و باورهای هرچند نادرست می‌شده است؛ لذا شاعران این دوره تلاش نموده‌اند بسیاری از این مضامین و باورها را در اشعار خود وارد نموده تا بدین ترتیب در انتقال این باورهای عامیانه به عنوان بخشی از فرهنگ و ادبیات قوم عرب سهمی داشته باشند.

لازم به ذکر است که معیار در تعیین عامیانه بودن یا نبودن یک باور، توجه به پشتوانه‌ی عقلی داشتن یا نداشتن و مطابقت یا عدم تطابق آن با تفکر منطقی و معیارهای علمی است.

پرداختن به ریشه‌های تاریخی پیدایش و رواج باورهای مردمی نیز نکته‌ی دیگری است که در این پژوهش به آن پرداخته نشده است؛ زیرا این امر از یک سو، خود زمینه‌ی پژوهشی مستقل و عمیق است و از سوی دیگر، در بسیاری از موارد نمی‌توان دقیقاً زمان پیدایش و رواج یک باور و یا نابودی و به فراموشی سپرده شدن آن را مشخص نمود.

### **ضرورت و اهداف تحقیق**

زندگی در دنیای پیچیده و پر از راز و رمزی که بشر را احاطه کرده است به وی این امکان را می‌دهد که در ورای مسائل پیش‌پا افتاده و ساده‌ی روزگارش به دنبال عوامل سرنوشت‌ساز و

ناشناخته‌ای بگردد که مسیر زندگی او را تعیین می‌نماید. لذا بسیاری از معتقدات و باورهای هر چند نادرست در ذهن و اندیشه‌اش شکل می‌گیرد تا اتفاقات گوناگون جهان پیرامون خود را توجیه، تحلیل و یا پیش‌بینی کند. باورهایی که گاه نشان دهنده‌ی عدم شناخت انسان از محیط و طبیعت اطرافش و به‌دنبال آن هراس ناشی از این ناشناخته‌هاست.

به بیان دیگر، این نوع باورها بیانگر دیدگاه، نگاه و ادراک انسان بدوی نسبت به جامعه، طبیعت و زندگی اجتماعی است و با بررسی و تحلیل آنها می‌توان دریافت که انسان بدوی چگونه می‌اندیشیده و چه دیدی نسبت به جهان هستی داشته است یا اینکه چه مقدار با طبیعت ارتباط داشته و تا چه اندازه از تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن باخبر بوده است.

بنابراین، بازخوانی و شناخت این‌گونه باورها از طرفی سبب آشنایی هرچه بیشتر خواننده با اندیشه‌ها و عادات گذشتگان به خصوص اعراب عصر جاهلی شده و از طرف دیگر، از آن‌جاکه ممکن است هنوز هم برخی از این باورها که جنبه‌ی خرافی دارند در بسیاری از جوامع پیشرفته‌ی امروزی نیز رواج داشته باشد، انجام این پژوهش می‌تواند کمک شایانی در راستای اصلاح چنین باورها و اعتقاداتی نموده و مانع ترویج هرگونه تفکر نادرست و به دور از عقلانیت و باورهای غلط در جامعه شود.

### پرسش‌های تحقیق

- ۱- شاعران جاهلی کدام باورهای عامیانه را در شعر خود آورده‌اند؟
- ۲- چرا این باورها در بین اعراب جاهلی رواج داشته است؟
- ۳- دلیل بازتاب این باورها در شعر جاهلی عرب چیست؟

### فرضیه‌ها

- ۱- شاعران جاهلی باورهایی را در زمینه‌های اجتماعی، دینی، طبی، نجومی و... در شعر خود وارد نموده‌اند.
- ۲- این‌گونه باورها در میان بیشتر ملتها رایج بوده اما اموری از قبیل امی بودن اعراب جاهلی، جهل و شرک و بت‌پرستی آنان از عوامل اصلی رواج این باورها در بین قوم عرب می‌باشد.

۳- شعر جاهلی دیوان دانش‌ها، آداب و رسوم، باورها و بسیاری از اعتقادات عرب در این عصر است و بخش عظیمی از آثار به جا مانده از این دوره به صورت شعر می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

باتوجه به بررسی‌های بعمل آمده تا کنون پژوهش مستقلی در این زمینه و تحت این عنوان انجام نگرفته است و تنها در پایان نامه‌ای با عنوان *اسطوره‌های اعراب در دوره‌ی جاهلی*، ترجمه و تحقیق حمید بیهقی، در ذیل عنوان اسطوره‌های اجتماعی و در فصل دوم این پژوهش به برخی از باورها و عقاید عرب جاهلی اشاره شده است.

در بین کتاب‌های موجود نیز کتابی مستقلاً به این مطلب نپرداخته اما در برخی از آنها مانند: *بلوغ الأرب آلوسی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام* نوشته جوادعلی، *الأصنام ابن‌کلبی، الحیوان جاحظ، مروج الذهب مسعودی* و تعدادی از کتب دیگر، مطالبی در ارتباط با این موضوع به صورت پراکنده بیان گردیده است.

### روش تحقیق

روش انجام کار در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد؛ بدین گونه که ابتدا با مراجعه به کتابخانه‌ها و بانکهای اطلاعاتی، منابع و کتابهای مورد نیاز جستجو و شناسایی گردید و پس از مطالعه و یافتن مطالب مورد نیاز، فیش‌برداری و طبقه‌بندی آنها به تفکیک باورهای اجتماعی، دینی، طبی، باورهای مربوط به حیوانات و طبیعت انجام گرفت.

از آنجائیکه موضوع تحقیق، "بررسی باورهای عامیانه در شعر جاهلی عرب" می‌باشد، نخست باورها و عقاید مربوط به اعراب جاهلی مورد مطالعه قرار گرفت و در آن میان بیشتر به باورهایی پرداخته شد که جنبه‌ی عامیانه و خرافی دارند و سعی گردید که این باورها در شعر این دوره مورد بررسی قرار گیرد. لذا با مراجعه به دیوان اشعار برخی از شعرای معروف جاهلی که در دسترس قرار داشت و نیز سایر کتب مهم آن دوره که حاوی اشعار جاهلی می‌باشد، برخی از اشعار مربوطه به عنوان نمونه و شاهد مثال، استخراج و ترجمه گردید و در بخشهای گوناگون تحت عناوین مختلف نوشته شد. در ترجمه‌ی اشعار نیز با استفاده از فرهنگ *لسان‌العرب ابن‌منظور*، ابتدا به شرح مفردات و واژه‌های مهم ابیات پرداخته شد و در ادامه، معنی آن به صورت کامل بیان گردید.

## معرفی اجمالی فصل‌های پایان‌نامه

پایان‌نامه‌ی حاضر مشتمل بر شش فصل می‌باشد که فصل اول آن را تعاریف و کلیات بحث تشکیل می‌دهد. لذا در ابتدای این فصل، تعریفی کلی از باور و نوع عامیانه‌ی آن ارائه شده و شباهت‌های آن با اسطوره و خرافه که دو واژه‌ی نزدیک به آن هستند، بیان گردیده است. در ادامه، معنای لغوی و اصطلاحی جاهلیت در منابع گوناگون از جمله قرآن کریم و نهج‌البلاغه و نیز کتب تاریخی، و همچنین وضعیت اعراب در جاهلیت مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی شعر جاهلی و جایگاه آن، منابع شناخت شعر جاهلی و نیز ارزش تاریخی و هنری آن نیز از جمله مواردی است که در این فصل بدان پرداخته شده است.

در فصل دوم تا ششم پایان‌نامه که مباحث اصلی آن را شامل می‌شود، به بررسی باورهای عامیانه‌ی اعراب جاهلی در شعر آن دوران پرداخته شده و این باورها در دسته‌های خاصی طبقه‌بندی و تحت عناوین مختلف ذکر گردیده است؛ از جمله: باورهای اجتماعی، باورهای دینی، باورهای طبی، باورهای مربوط به حیوانات و باورهای مربوط به طبیعت که هر کدام از این فصل‌ها نیز نمونه‌ها و شواهد خاص مربوط به خود را در برمی‌گیرد. در ادامه نیز، نتایج حاصل از این بررسی‌ها به طور مختصر بیان گردیده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از زحمات فراوان استاد فاضل و اندیشمند جناب آقای دکتر حقدادی که با راهنمایی‌های بی‌دریغ خود راهگشای اینجانب بوده‌اند و نیز استاد گرانمایه و ارجمند جناب آقای دکتر عزیزی که به عنوان مشاور این طرح تحقیقی مرا همراهی نموده‌اند کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشم. با آرزوی توفیق روزافزون برای این بزرگواران و همه‌ی اساتید و معلمین این مرز و بوم، امیدوارم که پژوهش انجام شده، مورد عنایت و استفاده‌ی دانش‌پژوهان عزیز و اساتید گرانقدر واقع شود.

## فصل اول: تعاریف و کلیات

### ۱-۱. تعریف باور

باورها و اعتقادات یکی از جنبه‌های مهم زندگی جوامع سنتی است و بخش عمده‌ای از فعالیتها و مناسبات اجتماعی افراد را در برمی‌گیرد و بسیاری از افراد اینگونه جوامع، زندگی خود را بر این اساس بنا می‌کنند و تقریباً هیچ طبقه‌ای در جهان یافت نمی‌شود که مردم آن به این قبیل افکار و تصورات عامیانه پایبند نباشند.

باور به معنای اعتقاد و یقین (معین. «باور») و مراد از عامیانه، منسوب به عوام و مردم بی‌سواد می‌باشد. (همان. «عامیانه»)

« مفهوم باور یک جنبه‌ی ذهنی - عاطفی است که وقتی آدمی ضعیف می‌شود و احساس حقارت و حیرت در برابر طبیعت سرکش می‌نماید و در تأویل جنبه‌های قوای غیبی و هولناک طبیعت - که او را در برابر بسیاری از موقعیت‌ها و حوادثی که تفسیر قانع کننده نمی‌یابد - ناتوان می‌گرداند، پدید می‌آید». (مرتاض، ۱۳۸۶: ۲۷۷)

بنابراین باورها و به خصوص باورهای عامیانه در فضایی ایجاد می‌شوند که درک و استدلال درستی از علل پیدایش وقایع وجود نداشته باشد و افراد جامعه در مقابل این‌گونه حوادث و موقعیت‌ها، ناخودآگاه به عقاید و رفتارهایی پایبند می‌شوند که هیچگونه توجیه علمی و دلیل عقلی و منطقی نداشته باشد.

«فولکلور (folklore) یا "باور عامیانه" را می‌توان مجموعه‌ای شامل افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، تاریخ شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، هزلیات، باورهای عامه و رسوم دانست. فولکلور از دو کلمه انگلیسی (folk) و (lore) تشکیل شده که جزء اول را در فارسی به مردم، توده، خلق و عوام ترجمه کرده-

اند و بخش دوم را به دانش، آگاهی، دانستنی، معلومات، حکمت و کلماتی از این گونه برگردانده‌اند. روی هم رفته مترجمان پارسی زبان در برابر فولکلور، اصطلاحات فرهنگ مردم، فرهنگ توده، دانش عوام، حکمت عامیانه، فلسفه عوام، معرفت عامه، دانستنی‌های عوام، فرهنگ عامه، فرهنگ قومی، آداب و رسوم و اعتقادات عامه، اخلاق عامیانه، توده شناسی و عباراتی از این قبیل آورده‌اند. (بیهقی، ۱۳۶۵: ۱۸)

باور عامیانه اختصاص به یک کشور یا منطقه‌ای خاص ندارد و نیز محدوده‌ی زمانی خاصی را شامل نمی‌شود، بلکه همیشه و در همه جای دنیا، انسانهای زیادی با این‌گونه عقاید و باورها زیسته‌اند و این اعتقادات در بسیاری از مراحل زندگی‌شان از گذشته تا حال جریان داشته است. بنابراین «قلمرو فرهنگ عامه گسترده است. ذهنیات هر فرد از باورها، پندارها، اندیشه‌ها و سخن و ادب عامه انباشته است. بسیاری از تدابیری را که انسان برای برآوردن نیازهای اولیه خود از قبیل تهیه پوشاک و خوراک بکار می‌گیرد و بخشی از رفتار اجتماعی مثل آداب رفت و آمد، نشست و برخاست، تعارفات، مراسم و آداب زندگی از زادن تا مردن همه‌ی اینها گوشه‌ای از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهد». (همان، ۲۱)

«اگرچه در این نگاه کلی اما سطحی باورهای عامیانه را باورهای منسوخ، مربوط به افراد فرودست و خرافاتی می‌دانند، اما در رفتارهای ناخودآگاه فردی و جمعی ملت‌ها همواره جایگاه ممتاز دارند و همواره خود را با افتخار نشان می‌دهند و با احترام خاصی بیان می‌شوند. باورهای عامیانه در کنار حماسه و افسانه یکی از عناصر تشکیل دهنده‌ی فرهنگ، هویت ملی و قومی جوامع است و حاصل بازتاب ذهن جمعی افراد است. از طرف دیگر باورهای عامیانه به نوعی، دانش عصر کهن را بیان می‌کنند. باورهایی که از ذهن کم تلاش عامه برخاسته و از میان آن‌ها برخی با علم امروز سازگار و قابل تعبیر و تفسیر هستند مانند تاثیر ماه بر انسان و زمین و برخی دیگر از نظر ما جنبه خرافاتی دارند زیرا با علوم امروز قابل تفسیر نیستند هرچند که با علوم زمان خود قابل توجیه بودند و برخی دیگر جنبه تربیتی و اخلاقی دارند و به صورت نمادین و کنایی به کار می‌روند.



شاید دانش گذشتگان بسیار ابتدایی بوده که با علم پیشرفته امروز مضحک به نظر می‌رسد. اما آنچه مسلم است این است که این باورها در اعماق ذهن ما آنچنان قوی و قدرتمند جای گرفته‌اند که در بسیاری از اعمال و کارهای روزمره‌ی ما حضوری فعال دارند. برخی از باورهای عامیانه جنبه‌ی اخلاقی دارند و به علم اخلاق مربوط می‌شوند. برخی جنبه‌ی روحی و روانی دارند و به علم روانشناسی مربوط می‌شوند. برخی جنبه‌ی فلسفی دارند و با علم فلسفه ارتباط پیدا می‌کنند و برخی هم حاصل اندیشه‌ی عالمانه بشرند و جنبه‌ی علمی دارند و دسته‌ای که اصلاً با زندگی و شرایط و علم و ادراک انسان امروزی هیچ تناسبی نداشته و جنبه‌ی خرافاتی یافته‌اند و همین دسته‌ی اندک هستند که سبب بی‌توجهی به باورهای دیگر شده‌اند.» (غلامپور، ۱۳۸۸)

## ۱-۲. باور عامیانه و اسطوره

«اسطوره غالباً به معنی حادثه‌ای قدیمی است که پوشیده از مبالغات و گاهی خرافات باشد و نیز به معنای گفته‌های پر آب و تاب و آراسته‌ای است که دارای پایه و اساسی نیست، به طوری که شبیه به کلام باطل است و این، انواع فعالیت‌های اجتماعی همچون فعالیت‌های ادبی، جنگی، صنعتی و دینی را در برمی‌گیرد. این کلمه در زبان فرانسوی به معنی حادث (Histoire) و در زبان انگلیسی به معنی تاریخ (Historia) آمده است.» (حسین‌الحاج، ۱۴۱۸: ۱۸)

گفته می‌شود: سَطْرَ فلانٌ عَلَینَا: فلانی سخنانی شبیه به باطل بر ایمان آورد، و نیز گفته می‌شود: هُوَ یُسَطِّرُ مَا لَا أَصْلَ لَهُ: یعنی او آنچه را که بی اصل و اساس است به هم می‌بافد، و هنگامی می‌گویند: سَطْرَ فلانٌ عَلَی فلانٍ، که سخنان بی‌اساس را برایش زینت و آرایش دهد. (ابن منظور، «سطر»)

در تاج العروس در معنای اسطوره چنین آمده است: «یقال: هُوَ یُسَطِّرُ مَا لَا أَصْلَ لَهُ.» (الزبیدی، «سطر»): گفته می‌شود: او آنچه را که بی اصل و اساس است به هم می‌بافد.

در کتاب تاریخ اساطیری ایران نیز آمده است: «در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره معنی "آنچه خیالی و غیرواقعی است و جنبه‌ی افسانه‌ای محض دارد" یافته است؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی "مینوی" دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد

یا پدیده‌ای طبیعی است به صورت فراسویی که دست‌کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد. به عبارت دیگر سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. شخصیت‌های اسطوره را موجودات مافوق طبیعی تشکیل می‌دهند و همواره هاله‌ای از تقدس، قهرمان‌های مثبت آن را فراگرفته است». (آموزگار، ۱۳۷۴: ۳-۴)

بنابراین اسطوره معنی حکایت را به خود گرفته است، خواه دارای اصالتی مسلم باشد یا خیر. باور عامیانه نیز همانند اسطوره از لایه‌های فراوان برخوردار است که در هر زمان و مکان می‌تواند معنی خاص را به همراه داشته باشد و معنی و برداشت‌های متفاوت و احياناً متناقض بدهد (همانند خود اسطوره) و در هر فرهنگی با توجه به شرایط خاص جغرافیایی و زندگی مردم، نقش و کارکردی خاص را ایفا می‌کند.

به بیان دیگر اسطوره‌ها از همان باورها و اعتقادات مردم سرچشمه گرفته‌اند و مانند آنها بیانی نمادین و رمزآلود دارند؛ باورهایی که گاه هیچ پایه و اساس علمی و منطقی ندارند.

### ۳-۱. باور عامیانه و خرافه

یکی از مسائلی که پیوسته دامنگیر بشر بوده و تأثیرات منفی در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی او گذاشته، اعتقاد به خرافات است. بشر پیوسته به خرافات مختلفی معتقد بوده و بیشتر خرافات با زندگی او، مناسبتی نزدیک داشته است.

خرافه در برخی از کتب لغت به معنای حدیث باطل، سخن بیهوده، یاوه، پریشان و افسانه آمده است. (دهخدا. «خرافه»)

برخی از متون عرب نیز خرافه را این‌گونه معنا کرده‌اند: « خُرَافَةٌ: إِسْمٌ رَجُلٍ مِنْ عُدْرَةِ اسْتَهْوَتْهُ الْجَنُّ؛ فَكَانَ يُحَدِّثُ بِمَا رَأَى، فَكَذَّبُوهُ وَ قَالُوا حَدِيثُ خُرَافَةٍ، وَ أَجْرُوهُ عَلَى كُلِّ مَا يُكْذِبُونَهُ مِنَ الْأَحَادِيثِ، وَ عَلَى كُلِّ مَا يُسْتَمَلَحُ وَ يُتَعَجَّبُ مِنْهُ.» (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷. ج ۲: ۲۵)

خرافه نام مردی از قبیله عذرة بود که شیطان او را فریفت (عقلش را ربود)؛ و آنچه را که از (جنیان) می‌دید، نقل می‌کرد؛ (اما کسی سخن او را باور نداشت) و مردم سخنان وی را تکذیب

می‌کردند و می‌گفتند: این سخن ساخته‌ی خود خرافه است و آن را بر هر سخنی که دروغ می‌پنداشتند و بر هر آنچه که ملیح و دلپذیر بود و از شنیدن آن تعجب می‌کردند، حمل می‌نمودند. جاهودا خرافات را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر نوع عقیده یا عمل نامعقول و وحشت غیرمنطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته و مرموز، خیالی، تردید یا عادت‌ی که پایه آن ترس یا جهل باشد، خرافه نامیده می‌شود». (جاهودا، ۱۳۷۱: ۵)

«از جمله عواملی که باعث به وجود آمدن خرافات می‌شود جهل به برخی ناشناخته‌ها و نادیده‌هاست که در برخی مواقع این عقاید خرافی در ستیز با مخالفان و دشمنان بخصوص در عرصه‌ی دین و فرهنگ طرح شده و در پاره‌ای از موقعیت‌ها برای فرار از واقعیت و ضعف و ناتوانی انسان در مقابل طبیعت و موجودات دیگر است. به طور کلی اعتقاد به آنچه که واقعیت ندارد و فرار از آنچه که واقعیت دارد و هم‌رنگ شدن با جماعت به عنوان شاخص‌ها و علت‌های مهم خرافات به شمار می‌رود». (فروزنده، ۱۳۹۱)

بنابراین خرافه چه در اعتقادات و اخلاق و چه در مناسبات رفتاری، در فضایی بوجود می‌آیند که نگاه عوامانه یا عوام‌گرایانه به مقوله‌های مختلف وجود داشته باشد. پس به طور کلی خرافات را نیز مانند اسطوره می‌توان عبارت از باورهای باطل و بی‌اساسی که فاقد مبنای عقلی و علمی باشند، نامید که نموده‌ها و جلوه‌های متعدد آن در تاریخ فرهنگ بشری به ویژه در عصر جاهلی به وضوح یافت می‌شود و بسیاری از این باورها که در آینده بدان خواهیم پرداخت نشان دهنده‌ی عدم شناخت بشر اولیه از محیط و طبیعت اطرافش بوده که امروزه به سبب بالا رفتن علم و آگاهی‌اش به صورت پندار و خرافه درآمده است.

#### ۱-۴. معنا و مفهوم جاهلیت

جاهلیت به دوره‌ای از تاریخ عرب اطلاق می‌شود که سرشار از شرارت و کینه‌توزی و جهل و نادانی بوده و چهره‌ای تیره و تار از اوضاع و احوال آن روزگار و مردمانش ترسیم گردیده است. بسیاری از آیات قرآن چه به صراحت و چه با اشاره، ناظر به نگاه و تفکر آن دوران بوده که اندیشه‌ی جاهلی و رفتار و کردار ناپسند آن را به نقد کشیده و محکوم کرده است.

افزون بر آنچه در قرآن و روایات درباره‌ی جاهلیت آمده، بسیاری از مفسرین و تاریخ نگاران نیز در کتب کلامی، تاریخی و تفسیری درباره آن بحث‌های مبسوطی ارائه داده‌اند و در رابطه با مظاهر مختلف عصر جاهلی اطلاعات مفید و سودمندی به جا نهاده‌اند که پژوهش و بررسی درباره‌ی آنها می‌تواند در تبیین مفهوم جاهلیت و ویژگی‌های مربوط به این دوره بسیار راهگشا باشد. لذا در این مجال به بحث و بررسی لغوی و معنایی واژه جاهلیت در برخی از کتابهای لغت، کتابهای تاریخی و تفسیری و نیز قرآن و نهج‌البلاغه می‌پردازیم.

#### ۱-۴-۱. جاهلیت در لغت

در کتاب *لسان‌العرب* در ذیل ماه جهل، ابتدا جهل در مقابل علم آمده و سپس با بیان نمونه‌هایی جهل در برابر حلم و بردباری و در یک مورد متضاد با عقل بیان شده است.

وفی الحدیث: *إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ جَهْلًا*؛ قیل: وهو أن يتعلم ما لا يحتاج إليه كالنجوم وعلوم الأوائل، ویدع ما يحتاج إليه فی دینه من علم القرآن والسنة. (ابن منظور. «جهل»)

درباره حدیث "*إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ جَهْلًا*": بعضی از علوم جهل هستند، گفته شده به معنای این است که او چیزی را که احتیاج ندارد مانند علم نجوم و علوم پیشینیان را می‌آموزد و آنچه را که از علوم دینی، از قرآن و سنت بدان احتیاج دارد، رها کرده است.

در *مجمع‌البحرین* در معنای جاهلیت چنین گفته شده: «الجاهلیة: الحالة التي كانت عليها العرب قبل الاسلام من الجهل بالله ورسوله وشرائع الدين و المفاخرة بالآباء و الأنساب و الكبر و التجبر و غیر ذلك». (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۴۶): مقصود از جاهلیت حالتی است که عرب قبل از اسلام داشته است و آن جهل به خدا و رسول، شرایع دین و فخر فروشی به گذشتگان، کبر و نخوت و مانند آن است.

در کتاب *اساس‌البلاغه* در ذیل ماده‌ی جهل این‌گونه آمده است: «*جَهَلَتِ الْقِدْرُ*: إِشْتَدَّ غَلِيَانُهَا نَقِيضٌ تَحَلَّمَتْ». (زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۱: ۱۰۷) و صراحتاً در این مثال "جهل" را مترادف "غلیان" و نقیض و متضاد "حلم" آورده است.

از این‌روست که معنای خیره‌سری و پرخاشگری و شرارت را نیز می‌توان از آن استنباط نمود؛ به گونه‌ای که یکی از مشهورترین شارحان معلقات در شرح این بیت عمرو بن کلثوم<sup>۱</sup> (ألا لا يجهلن أحدًا